

مصایب مجازی شدن آموزش

داده است که برنامه درسی پنهان مدارس، نظام روابط اجتماعی غیررسمی در نهادهای آموزشی و جامعه‌پذیری که در فضای مدرسه از خلال همکلاسی‌ها و دوستان صورت می‌گیرد، نقشی کلیدی در تربیت و پرورش فکری و فرهنگی و روحی دانش‌آموز و دانشجو دارد. از این رو، مهم‌ترین پیامد بحران کرونا در نهادهای آموزشی، نه در توقف کلاس‌های درس و جایگزینی کلاس‌های مجازی برای آنان، بلکه در توقف جامعه‌پذیری‌های ضمنی ناشی از فضای کلاس و فضای دوستان مدرسه و دانشگاه است. از این‌رو بخش مهمی از تجارب فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان که از خلال تجربه زیسته در فضای مدرسه و با دوستان رخ می‌داد، در شرایط کرونا، متوقف شده است. اگر توقف کلاس درس به معنای اختلال در رشد شناختی و آگاهی دانش‌آموزان است، تعطیلی فضای دوستانه و فضای غیررسمی مدرسه به معنای اختلال در رشد عاطفی، فکری، روحی و شخصیتی دانش‌آموز و دانشجو خواهد بود.

عمده سیاستگذاری‌های فوری که در وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و حتی نهادهای آموزشی خصوصی شکل گرفته است، برای جبران بحران توقف کلاس درس و تعطیلی آنها بوده است و هنوز نمی‌توان از سیاست مشخصی برای جبران مکانیسم‌های غیررسمی ناشی از فضای مدرسه و دانشگاه در تربیت و پرورش روحی و فکری و شخصیتی دانش‌آموزان و دانشجویان صحبت کرد.

اینکه برخی والدین از ثبت‌نام در مدارس غیرانتفاعی خودداری کرده‌اند، بیشتر ناشی از یک محاسبه عقلانی در آنها است. عمدتا هزینه‌های مدارس غیرانتفاعی که برای کلاس‌های درس، بلکه برای کیفیت فضای پرورشی و تربیتی مدرسه بود. به همین دلیل وقتی مکانیسمی برای جبران این نقیصه تعبیه نشده است، خانواده‌ها هم از ثبت‌نام در مدارس غیرانتفاعی خودداری کرده‌اند زیرا آموزش مجازی چندان اهمیت محوری ندارد.

از این رو، باید دقت کرد مدرسه یا هر نهاد آموزشی را نباید صرفاً به کلاس درس آن تقلیل داد (هرچند همین وجه نیز بسیار مهم

دکتر جبار رحمانی
 انسان‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای گسترش بحران کرونا، در حوزه «آموزش» بود. از یک سو، به دلیل ترس ابتلا به این بیماری و شیوع بیشتر ویروس کرونا تقریباً اکثر مراکز تجمع و تمرکز انسانی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل یا نیمه‌تعطیل شدند و از سوی دیگر، ضرورت تداوم نهادهای آموزشی و فرآیندهای جامعه‌پذیری و تربیتی سبب شد راه‌حل‌های جایگزینی برای این بحران اتخاذ شود که مهم‌ترین و محوری‌ترین راه‌حل «آموزش مجازی» بود.

در نتیجه وضعیت ناشی از بحران کرونا، مدرسه‌ها و دانشگاه‌های ایرانی به ضرورت و البته به شتاب و فوریت وارد عرصه مجازی و آموزش مجازی شدند. هرچند این تحول امکان‌هایی مثبت برای توسعه سنت‌های آموزشی و تقویت آنها در بر دارد، اما آموزش مجازی لزوماً در جامعه‌ای که نه زیرساخت‌های اینترنت کافی دارد و نه سواد مجازی کافی به دانش‌آموزان و معلمان آموزش داده شده، نه تنها سبب رشد نخواهد شد، بلکه می‌تواند جریان آموزش را با اختلال‌های جدی همراه سازد. به همین دلیل، مجازی شدن آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها در شرایط فعلی در کنار مزایایی که دارد می‌تواند منجر به بازتولید برخی نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های آموزشی و همچنین تولید نابرابری‌های جدید شود.

طبق آمار رسمی، در حدود هفتاد درصد جامعه ایرانی به اینترنت دسترسی دارند. از سوی دیگر، این هفتاد درصد لزوماً از طریق سخت‌افزارهای مناسب (همچون کامپیوتر و لپ‌تاپ و تبلت) به اینترنت وصل نمی‌شوند بلکه بیشتر آنان از طریق موبایل‌های هوشمند با فضاهای مجازی مرتبط هستند و عمده‌ترین کاربری آنان هم، تاکتون استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده است در حالی که آموزش مجازی مستلزم مهارت‌های مجازی کافی، محتوای مجازی کافی و همچنین تکنولوژی مناسب است. لزوماً امکان استفاده از موبایل،



طرح: حسین نوروزی

چه اتفاقی می‌افتد. وظیفه سالک چنین کسی هیچگاه با خود راستینش مهم زندگی را که عبارت است از ارتباط برقرار نمی‌کند: هیچ نامی بی‌حقیقت دیده‌ای یا ز کاف و لام گل گل چیده‌ای اسم خواندی رو مُستی را بجو مُه به بالا دان نه اندر آب جو گر ز نام و حرف خواهی بگذری پاک کن خود را ز خود هین یکسری (۳۴۵۹/۱د – ۳۴۵۷)

مولانا در داستان «درخت جاودانگی» باز به این نکته اشاره می‌کند که چسبیدن به نام‌ها و غافل شدن از صفات باعث گمراهی انسان می‌شود. پیشنهاد مولانا این است که از نام بگذریم و به صفات بنگریم، دیگر بدون هیچگونه پیشداوری و فراقکنی در قضاوت، درست آنچه

واقعیت‌های زندگی هستند.

▪ **نشستن سخن بر جای سکوت**

مولانا بارها نطق را «نشویش نظر، خار دیوار رزان، غبار رابطه» و نظایر آنها خوانده است. این سخن را در بافت‌های گوناگون می‌توان بررسی کرد. اگرچه مولانا این مسأله را در بافتی عرفانی به کار می‌برد، خوب است که نخست مطلب را در سطح روابط معمولی بررسی کنیم. مسأله این است که گفت‌وگوی واقعی مستلزم راست و درست و دقیق گفتن و عمیق و دقیق شنیدن است. یعنی هرگاه در یک گفت‌وگو، یک طرف سخن می‌گوید، باید طرف دیگر بدون هیچگونه پیشداوری و فراقکنی در قضاوت، درست آنچه

را با آنها اشتباه بگیرد. روشن است که چنین کسی هیچگاه با خود راستینش ارتباط برقرار نمی‌کند:

هیچ نامی بی‌حقیقت دیده‌ای یا ز کاف و لام گل گل چیده‌ای اسم خواندی رو مُستی را بجو مُه به بالا دان نه اندر آب جو گر ز نام و حرف خواهی بگذری پاک کن خود را ز خود هین یکسری (۳۴۵۹/۱د – ۳۴۵۷)

مولانا در داستان «درخت جاودانگی» باز به این نکته اشاره می‌کند که چسبیدن به نام‌ها و غافل شدن از صفات باعث گمراهی انسان می‌شود. پیشنهاد مولانا این است که از نام بگذریم و به صفات بنگریم، دیگر بدون هیچگونه پیشداوری و فراقکنی در قضاوت، درست آنچه

زبان ممکن است به هدف بدل شود و افراد برای دفاع از زبان مسائل مهم زندگی را که عبارت است از روابط سالم با انسان‌ها و گسترش صلح و صفا و آرامش و مهر در میان آنها، نادیده بینگارند. این مشکل بیشتر در میان لغوی‌ها، دستوری‌ها و زبان‌شناسان پدید می‌آید. چنین کسانی بر اثر عشقی که به زبان دارند، هیچگونه خطای زبانی را برنمی‌تابند و با دیدن یک خطای زبانی پشت سر انگور! به این نکته اشاره می‌کند که علت اختلاف آنان این بود که زبان همدیگر را نمی‌فهمیدند. خواسته آنان یک چیز بود، اما به سبب ناآگاهی از زبان یکدیگر، مشّت بر سر و روی هم می‌کوبیدند (۳۶۸۰/۲د – ۳۶۸۰).

در عین اعتراف به ارزش بی‌بدیل زبان در روابط انسانی، باید گفت که اگر سنخیت روحی نباشد، هم‌زبانی گرهی از کار آدمیان باز نمی‌کند. به تعبیر دیگر، زبان به تنهایی باعث انسجام ملی نمی‌شود و موجبات وحدت و همدلی میان انسان‌ها را فراهم نمی‌آورد. اگر زبان به تنهایی می‌توانست انسان‌ها را به هم پیوند بزند، همه کسانی که دارای زبان مشترک‌اند، در نهایت تفاهم و یگانگی در کنار هم زندگی می‌کردند، اما با کمال دریغ چنین نیست؛ چه بسیار کسانی که فارسی، زبان مشترک آنهاست، ولی اندک تفاهم و توافقی بین آنها وجود ندارد و به هیچ روی سخن یکدیگر را در نمی‌یابند.

استاد فروزانفر در این باره چنین می‌گوید: «به عقیده او (مولانا) هم‌زبانی پایه‌ای در وحدت اجتماع به حساب نمی‌رود و آن، زبان محرمی و همدلی است که مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ محرمی اشتراک در عقیده و هدف و آمال و آرزوهاست. در این صورت است که با وجود اختلاف زبان، افراد بشر با یکدیگر همدست و هم‌داستان می‌شوند، چنانکه با عدم محرمی و همدلی بر خلاف هم می‌ایستند و خون یکدیگر را می‌ریزند، هرچند که به یک لغت و زبان حرف می‌زنند» (شرح مثنوی شریف، ج ۲، ص ۳۵۱).

هم‌زبانی خویشی و پیوندی است مرد با نامحرمان چون‌بندی است ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان پس زبان محرمی خود دیگرست همدلی از هم‌زبانی بهترست غیرنطق و غیر ایما و سجل صد هزاران ترجمان خیزد ز دل (۱۲۰۷/۱د – ۱۲۰۵)

▪ **تبدیل شدن زبان به هدف**

▪ **مدرسه یا هر نهاد آموزشی را نباید صرفاً به کلاس درس آن تقلیل داد، بلکه باید دقت کرد و دید نهادهای آموزشی کارکردهای دوگانه و همزمان «آموزشی» و «پرورشی یا تربیتی» دارند. تعلیق کارکردهای آموزشی مدرسه و دانشگاه را شاید بتوان تاحدی از طریق فضای مجازی و کلاس‌های مجازی و محتوای مجازی جبران کرد، اما برنامه درسی پنهان مدارس، نظام روابط اجتماعی غیررسمی در نهادهای آموزشی و جامعه‌پذیری که در فضای مدرسه از خلال همکلاسی‌ها و دوستان صورت می‌گیرد، نقشی کلیدی در تربیت و پرورش فکری و فرهنگی و روحی دانش‌آموز و دانشجو دارد. از این رو، مهم‌ترین پیامد بحران کرونا در نهادهای آموزشی، نه در توقف کلاس‌های درس، بلکه در توقف جامعه‌پذیری‌های ضمنی ناشی از فضای کلاس و فضای دوستان مدرسه و دانشگاه است که می‌تواند در رشد عاطفی، فکری، روحی و شخصیتی دانش‌آموز و دانشجو اختلال ایجاد کند.**



است)، بلکه باید دقت کرد و دید نهادهای آموزشی کارکردهای دوگانه و همزمان «آموزشی» و «پرورشی یا تربیتی» دارند. در حالی که کرونا احتمالاً تا اطلاع ثانوی با ما خواهد بود، ضرورت شرایط پیش‌رو مستلزم آن است که راهی برای حل این نقیصه جدی تربیتی در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه شود. ضمن اینکه برای کلاس‌های درس مجازی، تأمین ابزارهای لازم برای دانش‌آموزان محروم و همچنین ارتقای سواد مجازی یک مکانیسم مضر و مخل در امر آموزش در مدرسه و دانشگاه مواجه کرده است که در نهایت از یک سو، کیفیت آموزش بشدت افت خواهد کرد و از سوی دیگر، نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی در سبهری جدید شکل خواهد گرفت و موجبات نارضایتی بیشتری را در بین دانشجویان و دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان فراهم خواهد آورد.

آنچه که گفته شد، تنها یک روی سکه است و صرفاً به مسأله آموزش در مدرسه و دانشگاه در بحران کرونا اشاره دارد. زیرا امکان تشکیل کلاس‌های درسی، تعلیق کارکردهای آموزشی مدرسه و دانشگاه را شاید بتوان تاحدی از طریق فضای مجازی و کلاس‌های مجازی و محتوای مجازی جبران کرد، اما برنامه درسی پنهان مدارس، نظام روابط اجتماعی غیررسمی در نهادهای آموزشی و جامعه‌پذیری که در فضای مدرسه از خلال همکلاسی‌ها و دوستان صورت می‌گیرد، نقشی کلیدی در تربیت و پرورش فکری و فرهنگی و روحی دانش‌آموز و دانشجو دارد. از این رو، مهم‌ترین پیامد بحران کرونا در نهادهای آموزشی، نه در توقف کلاس‌های درس، بلکه در توقف جامعه‌پذیری‌های ضمنی ناشی از فضای کلاس و فضای دوستان مدرسه و دانشگاه است که می‌تواند در رشد عاطفی، فکری، روحی و شخصیتی دانش‌آموز و دانشجو اختلال ایجاد کند.

به معنای استفاده بهینه از فضای مجازی در آموزش نخواهد بود.

در نتیجه در ترکیبی از بحران‌های زمینه‌ای یعنی عدم دسترسی حدود سی درصد از جامعه ایرانی به اینترنت، دسترسی نداشتن به ابزارهای مناسب مانند کامپیوتر و لپ‌تاپ و... برای اکثریت آنانی که به اینترنت وصل هستند و مهمتر از همه فقدان محتوای مجازی کافی و عدم مهارت لازم معلمان و دانش‌آموزان در آموزش مجازی، ما را با یک مکانیسم مضر و مخل در امر آموزش در مدرسه و دانشگاه مواجه کرده است که در نهایت از یک سو، کیفیت آموزش بشدت افت خواهد کرد و از سوی دیگر، نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی در سبهری جدید شکل خواهد گرفت و موجبات نارضایتی بیشتری را در بین دانشجویان و دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان فراهم خواهد آورد.

آنچه که گفته شد، تنها یک روی سکه است و صرفاً به مسأله آموزش در مدرسه و دانشگاه در بحران کرونا اشاره دارد. زیرا امکان تشکیل کلاس‌های درسی، تعلیق کارکردهای آموزشی مدرسه و دانشگاه را شاید بتوان تاحدی از طریق فضای مجازی و کلاس‌های مجازی و محتوای مجازی جبران کرد، اما باید دقت کرد که مطالعات نشان



▪ **خوب شنیدن نیازمند خاموشی ذهنی است، وگرنه سخنان طرف مقابل به درستی دریافت نمی‌شود. گفت‌وگوی راستین از دیالکتیک «سکوت» و «سخن» تشکیل می‌شود و فقدان هریک از این دو رکن، گفت‌وگو را ناقص و بی‌فایده می‌کند. هرگاه در یک گفت‌وگو افراد حاضر نباشند این سکوت ذهنی را وارد رابطه کنند و به قصد پاسخ دادن بشنوند، تک‌گویی یا گفت‌وگوی مرده جای گفت‌وگو را می‌گیرد. شاید به همین سبب باشد که مولانا نطق را «نشویش نظر» می‌داند.**

مولوی گفت‌وگوی ظاهری را «خار دیوار رزان» می‌داند و آن را مانع ورود آدمی به باغ معنا و حقیقت به شمار می‌آورد:

حرف چه بود تا نو اندیشی از آن؟ حرف چه بود؟ خار دیوار رزان حرف و صوت و گفت را بر هم زنم تا که بی‌این هر سه با تو دم زنم (۱۷۲۰/۱د – ۱۷۲۷)

منابع:

- شمس‌الدین - تبریزی(۱۳۷۷).
- مقالات شمس تبریزی. تصحیح محمّد علی مؤخّذ. تهران: خوارزمی.
- فروزانفر، بدیع الزّمان (۱۳۷۳). شرح مثنوی شریف. تهران: زوّار.
- مولوی، جلال‌الدین محمد(۱۳۷۵).
- مثنوی معنوی. تصحیح رینولد الین نیکلسون. تهران: توس(افست).

را که طرف مقابل می‌گوید، بشنود. خوب شنیدن نیازمند خاموشی ذهنی است، وگرنه سخنان طرف مقابل به درستی دریافت نمی‌شود. گفت‌وگوی راستین از دیالکتیک سکوت و سخن تشکیل می‌شود و فقدان هر یک از این دو رکن، گفت‌وگو را ناقص و بی‌فایده می‌کند. هرگاه در یک گفت‌وگو افراد حاضر نباشند این سکوت ذهنی را وارد رابطه کنند و به قصد پاسخ دادن بشنوند، تک‌گویی یا گفت‌وگوی مرده جای گفت‌وگو را می‌گیرد. شاید به همین سبب باشد که مولانا نطق را «نشویش نظر» می‌داند (د ۱۵۹۶ – ۱۵۹۱).

در مورد خدا نیز چنین است. بسیاری از نزاع‌های آدمیان در مورد خدا نه بر سر ذات و صفات خدا، بلکه به خاطر اختلاف در نام‌های خداست. گفتنی است که نام در اینجا یکی از جلوه‌های «صورت» است و نام‌گرایی هم نوعی صورت‌گرایی است: در گذر از نام و بنگر در صفات! تا صفات ره نماید سوی ذات اختلاف خلق از نام اوفتاد چون به معنی رفت آرام اوفتاد (۳۶۸۰/۲د – ۳۶۷۹)

بنابراین باید همواره مراقب نشانه بودن کلمات باشیم و به هیچ وجه چنان در زبان غرق نشویم که اصل رابطه را از یاد ببریم. رسانه بودن زبان همواره باید مورد توجه باشد و در عین استفاده دقیق و درست از کلمات، نباید گمان کرد کلمات همان